

ب\_\_\_\_\_ه

ن\_\_\_\_\_ام

خ\_\_\_\_\_دا



# منابع طبیعی، مورثیت یا مصیبت

فردریک فن در پلوگ

مترجم: محمد حسین نعیمی پور

سرشناسه	: پلوخ، فردریک وان در، ۱۹۵۶-م.
عنوان و نام پدید آور	Ploeg, Frederick van der
مشخصات نشر	: منابع طبیعی، موهبت یا مصیبت/ فردریک ون در پلاک؛ محمد حسین نعیمی پور.
مشخصات ظاهری	: تهران: روزنه، ۱۳۹۴.
شابک	: ۱۸۰ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۶۸-۶
یادداشت	: فیبا
موضوع	: عنوان اصلی: Natural resources: curse or blessing?, 2010.
شناسه افزوده	: منابع طبیعی
رده بندی کنگره	: نعیمی پور، محمد حسین، ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی دیویی	: ۱۳۹۴ HC۸۵/پ۸م۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۳/۷
	: ۴۰۸۴۲۷۱



## منابع طبیعی، موهبت یا مصیبت

فردریک فن در پلوگ

مترجم: محمد حسین نعیمی پور

طرح جلد: سید صدرالدین بهشتی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: مُجاب

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۸۵۳۷۳۰ ☎️ شماره: ۸۶۰۳۴۳۵۹ 📠

سایت: www.rowzanehnashr.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۶۸-۶ ISBN: 978-964-334-568-6

🌟 تمام حقوق برای ناشر محفوظ است 🌟

## فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۳	فصل اول: درآمدی بر مسأله منابع طبیعی
۱۹	فصل دوم: شواهد عینی برجسته: آیا شومی منابع طبیعی امری اجتناب‌ناپذیر است؟
۲۰	۲-۱- شواهد متضاد کشورهای دارای منابع طبیعی
۲۵	۲-۲- شواهد تاریخی: منابع طبیعی، تکامل حقوق مالکیت و نوآوری
۳۰	۲-۳- همبستگی‌های بین‌کشوری
۳۲	۲-۴- داده‌های بانک جهانی در مورد سرمایه طبیعی و ثروت ملل
۳۷	فصل سوم: توضیحات رایج درباره شومی منابع طبیعی
۴۰	۳-۱- فرضیهٔ اول: بیماری هلندی
۴۹	۳-۱-۱- شواهد تجربی برای اثبات بیماری هلندی
	۳-۲- فرضیهٔ دوم: صدمه موقتی به «یادگیری حین انجام کار» مانع از رشد اقتصادی
۵۲	می‌شود
۵۶	۳-۲-۱- شواهد تجربی در مورد اثر منفی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی
۶۱	۳-۳- فرضیه سوم: تبدیل شومی منابع طبیعی به موهبت: نهادهای خوب و نبود فساد
	۳-۳-۱- شواهد تجربی: چگونه کیفیت نهادی نحوه تأثیرگذاری منابع طبیعی بر رشد را
۶۶	تغییر می‌دهد؟

- ۳-۴- فرضیه چهارم: شومی منابع طبیعی در دموکراسی‌های مبتنی بر ریاست جمهوری شدیدتر است  
۷۱
- ۳-۵- فرضیه پنجم: درآمدهای بادآورده حاصل از منابع طبیعی فساد را، به ویژه در رژیم‌های غیردموکراتیک، افزایش می‌دهد  
۷۳
- ۳-۶- فرضیه ششم: بی‌ثباتی در قیمت‌های جهانی منابع طبیعی به صادرات و رشد تولید لطمه می‌زند.  
۷۶
- ۳-۷- فرضیه هفتم: ثروت حاصل از منابع طبیعی منجر به رانت‌جویی حریصانه و درگیری مسلحانه می‌شود  
۸۳
- ۳-۸- فرضیه هشتم: ثروت ناشی از منابع طبیعی به سیاست‌های دولتی ناپایدار منتهی می‌شود  
۹۷
- فصل چهارم: چرا بسیاری از کشورهای در حال توسعه و دارای منابع سرشار، پس‌انداز منفی را تجربه می‌کنند؟  
۱۰۱
- ۴-۱- تبدیل بهینه منابع طبیعی در حال فرسایش به دارایی‌های خارجی  
۱۰۳
- ۴-۲- پس‌انداز حقیقی و ثروت ملل: یک راهنمای عمل‌گرایانه  
۱۱۱
- ۴-۳- پیش‌بینی دوره‌های زمانی بهتر می‌تواند به پس‌انداز حقیقی منفی بیانجامد  
۱۱۷
- ۴-۳-۱- قانون هارتویک در اقتصاد جهانی  
۱۲۳
- ۴-۴- چندپارگی (سیاسی/اجتماعی)، اتمام حریصانه منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری بیش از حد و پس‌انداز حقیقی  
۱۲۶
- فصل پنجم: مهار درآمدهای بادآورده حاصل از منابع طبیعی در اقتصادهای در حال توسعه  
۱۳۷
- فصل ششم: نتیجه‌گیری  
۱۴۵
- پیوست ۱: بیکاری و بیماری هلندی  
۱۵۳
- پیوست ۲: رشد درونزا و بیماری هلندی  
۱۵۷
- پیوست شماره ۳: قانون هارتویک برای سرمایه‌گذاری مجدد رانت ناشی از منابع طبیعی در یک اقتصاد بسته  
۱۶۵
- پیوست ۴: محدودیت‌های جذب و پویایی‌های بیماری هلندی  
۱۷۱
- منابع  
۱۷۷

## مقدمه مترجم

اگر به نیکی در تاریخ توسعه ملل غور کنیم، نمی‌توانیم به سادگی از اهمیت جغرافیا، دسترسی به منابع طبیعی، و شرایط اقلیمی چشم‌پوشیم، اهمیت این موضوع، برای مثال، در پژوهش‌های خرد دیامند (استاد جغرافیای دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس) واکاوی شده است. به گمان وی تفاوت در دسترسی جوامع به گیاهان و حیوانات که تابعی از شرایط جغرافیایی و اقلیمی ایشان است، می‌تواند تفاوت در پیشرفت کشاورزی و تأثیر آن بر وضعیت معیشت و سلامت ملل را تا حدود فراوانی توضیح دهد. این همه، از دیدگاه وی، می‌تواند یکی از مهمترین زمینه‌های نابرابری در توسعه ملل در طول پانصد سال گذشته باشد.<sup>۱</sup> حتی اگر تفاوت

---

۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های دیامند را می‌توانید در کتاب «اسلحه، میکروب، و فولاد» بیابید. این کتاب توسط حسن مرتضوی به فارسی ترجمه شده و با همت نشر بازتاب نگار از سال ۱۳۸۶ وارد بازار کتاب در ایران شده است.

در جغرافیا، دسترسی به منابع طبیعی، و شرایط اقلیمی نتوانند به طور کامل نابرابری در توسعه را در دوران کنونی تشریح کنند، پژوهشگران نمی‌توانند از نقش کلیدی منابع طبیعی در تاریخ توسعه غافل بمانند.<sup>۱</sup> هم از این روست که در طول چهاردهه گذشته پرسش‌های فراوانی درباره چگونگی تأثیر منابع طبیعی بر توسعه مطرح شده است. به طور خاص، در طول این چهل سال تمرکز پرسش‌های پژوهشگران بر تأثیر دسترسی کشورها به منابع نفت و گاز بر رشد و توسعه اقتصادی ایشان بوده است. در اوایل دهه هشتاد میلادی، تجربه کندشدن فعالیت‌های صنعتی در هلند در پی کشف منابع جدید گاز طبیعی و افزایش صادرات آن منابع، که برای نخستین بار توسط مایکل المَن (استاد بازنشسته اقتصاد دانشگاه آمستردام) توصیف شد، این پرسش را در میان پژوهشگران مطرح کرد که آیا دسترسی به منابع مالی حاصله از صادرات نفت و گاز می‌تواند به توسعه صنعتی کشورها خدمتی کند یا آن که منابعی از این دست موجب رکود در فعالیت‌های صنعتی خواهند بود.<sup>۲</sup> غالب مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، بر نقش درآمدهای بادآورده حاصل از صادرات نفت و گاز بر تقویت پول ملی و در پی آن کاهش

۱. برای مطالعه بیشتر درباره قوت و ضعف نظریاتی که تفاوت در توسعه را بر مبنای شرایط جغرافیایی و اقلیمی توضیح می‌دهند، می‌توانید به فصول دوم و سوم کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» مراجعه کنید. این کتاب توسط دارون عجم اغلو (اقتصاددان دانشگاه ام‌آی. تی که به زودی راهی استنفورد می‌شود) و جیمز رابینسون (سیاست‌شناس دانشگاه هاروارد) تألیف شده و توسط محسن میردامادی نجف‌آبادی و محمدحسین نعیمی‌پور به فارسی ترجمه شده است. پس از گردآوری سید علیرضا بهشتی شیرازی این کتاب در سال ۱۳۹۲ توسط نشر روزنه وارد بازار کتاب در ایران شده است.

۲. این موضع به تفصیل در بخش ۱-۳ این ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است.



رقابت‌پذیری و کندشدن فعالیت‌های صنعتی تأکید کرده‌اند. همچنین در برخی از این مطالعات پیش‌بینی شده است که تأثیر ناگوار این درآمدها بر رشد و توسعه در عدم حضور «نهاد»‌های مناسب دوچندان شود. مجموعه‌ای از شواهد آماری اولیه نیز مؤید چنین تأییراتی هستند.

آموزه‌هایی از این دست برای سالیان متوالی مورد قبول پژوهشگران رشد و توسعه قرار گرفته بود. در طول دهه اخیر، اما، به واسطه دسترسی به مجموعه غنی‌تری از داده‌ها، توان پژوهشگران در آزمودن نظریاتی که بر پایه «بیماری هلندی» استوار بوده‌اند افزایش یافته است. نتیجه برخی از این آزمون‌ها با باور غالب پژوهشگرانی که بر داده‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ تکیه کرده بودند متفاوت است. برای مثال شواهدی که مایکل راس (استاد علوم سیاسی در دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس) در مطالعات اخیرش ارائه کرده است حاکی از آن است که در بلندمدت تفاوت چشمگیری میان رشد اقتصادی در کشورهایی که به منابع نفت و گاز دسترسی دارند با کشورهایی که فاقد این منابع هستند وجود ندارد. حال آنکه در چهارچوب نظری بیماری هلندی گمان می‌رفت که رشد اقتصادی کشورهایی که به منابع نفت و گاز متکی هستند باید کمتر از رشد اقتصادی دیگر کشورها باشد. به گمان مایکل راس، آنچه ناامیدکننده است فاصله میان رشد بالقوه اقتصادی و رشد بالفعل اقتصادی در میان کشورهایی است که از منابع نفت و گاز بهره می‌برند. اگر نه، در بلندمدت، آهنگ رشد اقتصادی در این کشورها با کشورهای دیگر قابل مقایسه است. اما با توجه به دسترسی به منابع نفت و گاز، این کشورها می‌توانستند در بلندمدت با شتاب بیشتری نیز رشد کنند - که

چنین نشده است. و همین فرصت از دست رفته است که باعث ناامیدی است. به زعم وی، عدم توانایی این کشورها در پیشبرد سیاست‌های درخور مالی و عدم حضور فعال زنان در بازار کار می‌تواند تا حدودی چرایی از دست رفتن این فرصت را توصیف کند.<sup>۱</sup>

یافته‌هایی از این دست موجب رونق دوباره پژوهش در این زمینه شده است. نه تنها چنین پژوهش‌هایی می‌توانند درک ما را از چگونگی تأثیر درآمدهای حاصله از صادرات نفت و گاز بر رشد و توسعه افزایش دهد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز سیاست‌گذاری مؤثر در زمینه‌های مالی، صنعتی، ارزی، و بازار کار باشد. متنی که پیش روست مرجع مناسبی برای پیشبرد پژوهش‌هایی از این دست است.

در این مقاله که در خرداد ماه ۱۳۹۰ در «نشریه ادبیات اقتصادی» توسط انجمن اقتصاددانان امریکا به چاپ رسید، فردریک فن-در-پلویگ کوشیده است تا با جمع‌آوری و سامان‌دهی مطالعات گوناگون پاسخی برای این پرسش بیابد که آیا منابع طبیعی برای اقتصادهای امروزین موهبت‌اند یا مصیبت؟ این نوشته مروری است بر ادبیات اقتصاد منابع طبیعی در چهارچوب مطالعات رشد و توسعه. هم از این روی، می‌تواند مرجعی به روز برای کسانی باشد که به پژوهش در این زمینه علاقه‌مندند. به خصوص که نویسنده این متن یکی از پژوهشگران پیشرو در زمینه مطالعات منابع طبیعی است. وی هم‌اکنون استاد اقتصاد

۱. برای مذاقه بیشتر در یافته‌های اخیر، می‌توانید به کتاب "The Oil Curse" مراجعه کنید. این کتاب در سال ۲۰۱۲ میلادی توسط نشر Princeton وارد بازار کتاب شده است. به طور خاص، خواندن فصول ششم و هفتم این کتاب بسیار آموزنده خواهد بود.

دانشگاه آکسفورد است و مدیریت امور پژوهشی کانونی را در این دانشگاه بر عهده دارد که به مطالعه درباره اقتصادهایی می‌پردازد که از منابع طبیعی بهره‌مند هستند.<sup>۱</sup>

فن-در-پلویگ در این متن به مرور پژوهش‌هایی می‌پردازد که هرکدام از زاویه‌ای بر «نفرین منابع طبیعی» متمرکز شده‌اند. وی در ابتدا تجربیات گوناگون کشورهای که از منابع طبیعی افزون‌تری بهره‌مند هستند را بازگو می‌کند. در این میان، می‌کوشد تا ناهمگونی این تجربیات را برجسته سازد. چرا که در میان این کشورها، در کنار تجربیات شکست‌خورده، نمونه‌های موفقیت‌آمیزی از رشد اقتصادی نیز دیده می‌شود. پس از آن، وی خلاصه‌ای بسیار مفید از هشت نظریه ارائه می‌کند که هر یک به مطالعه گوشه‌ای از چند و چون تأثیر دسترسی افزون‌تر منابع طبیعی به رشد و توسعه پرداخته‌اند: نخستین نظریه به بررسی تأثیر درآمدهای بادآورده حاصل از صادرات منابع خام طبیعی بر نسبت تخصیص منابع به فعالیت‌های تجاری و غیرتجاری می‌پردازد. در همین راستا، نویسنده نظریه دیگری را مطرح می‌کند که بر تأثیر نامناسب این درآمدها بر فعالیت‌های تجاری و رکود موقت اقتصادی تمرکز دارد. در کنار این دو نظریه، وی به بازگویی نظریاتی می‌پردازد که بر مبنای آنها نظم نهادی مناسب می‌تواند نقشی سازنده بر عهده بگیرد، شاید که منابع طبیعی تبدیل به موهبتی شوند. در ادامه، وی به سراغ دو نظریه‌ای می‌پردازد که در آن نقش نوسانات در درآمدهای حاصله از صادرات منابع خام طبیعی و نقش بازارهای مالی مورد

1. The Oxford Center for the Analysis of Resource Rich Economies

مطالعه قرار گرفته است. در ادامه، وی نظریه دیگری را بازگو می‌کند که در آن چگونگی تأثیر درآمدهای حاصل از صادرات منابع خام طبیعی بر درگیری‌های نظامی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نیز، وی به بررسی نظریه‌ای می‌پردازد که در آن توصیفی از رابطه میان منابع طبیعی و سیاست‌گذاری‌های نامناسب دولت‌ها ارائه شده است. در این متن فن-در-پلویگ کوشیده است تا گستره‌ای از نظریات را بازگو کند. چرا که به زعم وی منابع طبیعی، نظیر نفت و گاز، هم می‌توانند موهبتی باشند و هم مصیبتی. به همین دلیل مخاطرات بالقوه دسترسی افزون‌تر به منابع طبیعی باید از زوایای مختلفی مورد مطالعه قرار بگیرد. در این میان مواردی نظیر نظام نهادی، اهمیت روندهای قانونی، فساد گسترده، ساخت سیاسی قدرت، و توسعه بازارهای مالی در کشورها نیز باید در نظر گرفته شود. نویسنده با توجه به این موارد با دقت فراوان به بازگویی این نظریات پرداخته و هر آنجا که امکان‌پذیر بوده شواهدی آماری از تجربیات مرتبط با این نظریات ارائه کرده است. هم از این روی، این متن می‌تواند مرجع مناسبی برای دایره گسترده‌ای از پژوهش‌هایی باشد که به نوعی پیرامون تأثیر منابع طبیعی بر رشد و توسعه شکل گرفته‌اند.

اما این نوشته از مرور نظریات فوق‌الذکر نیز فراتر می‌رود. نویسنده در ادامه این نوشتار به معمایی می‌پردازد که ماتبعی مهم برای رشد و توسعه دارد: کشورهایی که به واسطه صادرات منابع طبیعی از منابع مالی بادآورده‌ای بهره‌مند می‌گردند، می‌توانند این منابع را به دارایی‌های خارجی و یا به سرمایه‌گذاری‌های مولد داخلی نظیر

شبکه حمل و نقل، ساز و کار آموزش، و نظام بهداشتی تخصیص دهند حال آنکه در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد و این کشورها کمتر از آنچه بهینه است پس‌انداز می‌کنند. برای توضیح این پدیده، فن-در-پلویگ به دو نظریه مراجعه می‌کند که می‌توانند پاسخی بالقوه برای این معما ارائه دهند. در پایان نیز، وی می‌کوشد تا راهنمایی نظری برای سیاست‌گذاری مالی دولت‌ها ارائه کند. در این میان، کمبودهای شدید سرمایه در کشورهای در حال توسعه و نوسانات درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی نیز لحاظ شده‌اند تا راهنمایی کارآمد برای سیاست‌گذاران در این کشورها باشد.

حتی اگر نفرین منابع طبیعی، «نفرین» هم نباشد و ماجرا آنگونه که پال کالیر (استاد اقتصاد و سیاست‌گذاری دانشگاه آکسفورد) گمان می‌کند، تنها ماجرای «فرصتی از دست رفته باشد»، باز هم شناخت زمینه‌های تأثیرگذاری درآمدهای حاصله از فروش منابع طبیعی بر رشد اقتصادی و توسعه برای کسانی که به شناخت بیشتر اقتصاد ایران علاقه‌مندند می‌تواند جذاب باشد. به طور خاص این کتاب برای آن دسته از مخاطبان جذابیت دارد که به مذاقه در زمینه اقتصاد و سیاست در ایران علاقه‌مندند. همچنین این کتاب می‌تواند مرجعی سودمند برای آن دسته از پژوهشگرانی باشد که تمایل به غور کردن در مباحثی نظیر وابستگی به منابع طبیعی در گستره اقتصادهای در حال توسعه دارند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی در اقتصاد، علوم سیاسی، و

۱. برای مذاقه بیشتر در آرای کالیر در این زمینه می‌توانید به فصل سوم *The Plundered Planet* مراجعه کنید که در سال ۲۰۱۰ میلادی توسط نشر Oxford راهی بازار شد.

جامعه‌شناسی نیز این کتاب را سودمند خواهند یافت. حتی بخش‌هایی از این کتاب که نیازمند مدل‌های ریاضیاتی نیست می‌تواند به عنوان منبعی برای تدریس در درس‌های کارشناسی اقتصاد، علوم سیاسی، و جامعه‌شناسی استفاده شود.<sup>۱</sup>

---

۱. هرچند که نویسنده برای توصیف نظریات در این متن از ریاضیات بهره برده است، ولیکن به اجمال نیز ماحصل نتایج ریاضیاتی را به زبان ساده توصیف کرده است.

## فصل اول: درآمدی بر مسأله منابع طبیعی

بسیاری از پژوهشگران و سیاستگذاران فرصتهایی که منابع طبیعی جهت دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه فراهم کرده و در نتیجه، چالش‌های اطمینان از آن که ثروت منابع طبیعی تبدیل به رشد اقتصادی و توسعه پایدار می‌شود را درک کرده‌اند. در عین حال بسیاری از کشورها به واسطه ثروت ناشی از منابع طبیعی دچار مصیبت و فلاکت هستند. سؤال اصلی آن است که چرا اقتصادهای دارای منابع غنی، همانند بوتسوانا یا نروژ، موفق‌تر از دیگر اقتصادهایی هستند که با وجود ثروت طبیعی عظیم‌شان عملکرد نامطلوبی دارند؟ آیا این موضوع به خاطر این است که رونق در منابع طبیعی منجر به بالا رفتن نرخ ارز حقیقی می‌شود و رقابت‌پذیری بخش‌های اقتصادی مستقل از منابع طبیعی را کاهش می‌دهد (بیماری هلندی)؟ آیا اثرات (رونق در منابع طبیعی) یادگیری در حین انجام کار و نیز

دیگر اثرات جانبی آن در بخش‌های تجاری مستقل از منابع طبیعی به آن اندازه بزرگ هست که مداخلات دولت را توجیه کند؟ و یا این که ثروت‌های ناشی از وجود منابع طبیعی سرشار به تغییراتی در تخصیص منابع از کارآفرینی سودآور به سوی رانت‌جویی، که ناکارایی اجتماعی را در بر دارد، می‌انجامد؟

چه میزان از این تغییرات بستگی به کیفیت نهادها، حاکمیت قانون و درجه توسعه یافتگی مالی دارد؟

آیا ثروت ناشی از منابع طبیعی به واسطه فساد و رانت خواری و جنگ داخلی، که نابرابری و فقر گسترده به بار می‌آورند، به تمامی چپاول می‌شود؟ آیا رونق در درآمد ناشی از منابع طبیعی سبب تثبیت سیاست‌های نامناسب و ناپایدار برای مدت زمانی بیش از اندازه طولانی می‌شود؟ آیا ثروت‌های طبیعی در حال کاهش به شایستگی در دیگر انواع دارایی‌های پر بازده مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شوند؟

برای روشن کردن پاسخ این پرسش‌های مهم ابتدا در بخش دوم این نوشتار به ارائه شواهد عینی مرتبط و برجسته (همچون مطالعات موردی و اطلاعات تاریخی و آماری) در زمینه تجارب ناهمگون اقتصادهای دارای منابع غنی می‌پردازم.

سپس در بخش سوم هشت فرضیه را مطرح می‌کنم و به ارائه نظریه‌های مؤید و بهترین مستندات آماری برای مقایسه میان کشورها می‌پردازم. برای مقایسه میان هر یک از این فرضیات، از روش‌های آماری مرتبط به داده‌های پنل و سایر روش‌های شبه تجربی در دسترس بهره خواهیم برد. این شواهد و مستندات نه تنها میزان تفاوت



در تجربیات اقتصادهای دارای منابع غنی نسبت به دیگر اقتصادها را آشکار می‌سازند، بلکه همچنین تنوع گسترده‌ای را که در تجربیات اقتصادهای دارای منابع طبیعی غنی وجود دارد را نشان می‌دهند.

در بخش چهارم با دقتی بیشتر توجه خود را به این پرسش معطوف می‌سازیم که چرا بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه دارای منابع سرشار از آنچه به قانون هارتویک<sup>۱</sup> مشهور است تخطی کرده و تمامی رانت حاصل از منابع خویش را مجدداً در دارایی‌های خارجی یا سرمایه‌های پربازدهی (چون ساختمان، راه‌ها، ماشین‌آلات، سرمایه انسانی یا سلامت) سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. این در حالی است که پس‌انداز، نقش بسیار مهم در توسعه اقتصادی دارد. معمای که در اینجا مطرح می‌شود آن است که چرا نرخ‌های پس‌انداز مشاهده شده و بهینه در بین اقتصادهای غیر بهره‌مند از منابع طبیعی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند اما در میان کشورهای دارای منابع سرشار به شدت با یکدیگر متفاوت است. برای کمک به توضیح این معما فرضیات «انتظار زمان‌های بهتر» و «رانت‌جویی حریصانه» را مطرح کرده‌ایم. بخش پنجم برخی قواعد مالی (بودجه‌ای) مبتنی بر رفاه را جهت مهار درآمدهای بادآورده ناشی از منابع در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌کند که در این زمینه توجه خاصی به کمبود سرمایه، مسائل مربوط به جذب و جریان درآمدی پرنوسان صورت گرفته است. در بخش ششم به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

---

1. Hartwick



## فصل دوم: شواهد عینی برجسته

### آیا شومی منابع طبیعی امری اجتناب‌ناپذیر است؟

هرچند برخی کشورهای دارای منابع غنی از ثروت طبیعی خود به خوبی بهره می‌گیرند، اما سایر این کشورها در وضعیت اسفباری قرار دارند. ما در اینجا برخی نمونه‌های مشهور از کشورهایی که وابستگی‌شان به منابع طبیعی با عملکرد بد اقتصاد کلان و رشد نابرابری میان شهروندان همراه بوده است را مورد مطالعه قرار داده و تضاد آن کشورها را با دیگر کشورهایی که از ثروت طبیعی خود بهره برده‌اند (بخش ۱-۲) بررسی می‌کنیم. همچنین مستندات تاریخی را که نشان می‌دهند منابع طبیعی سبب استقرار حقوق مالکیت شده و به توسعه اقتصادی یاری رسانده‌اند به بحث می‌گذاریم (بخش ۲-۲). سپس برخی شواهد عینی روشن را با مقایسه میان کشورها از لحاظ اثرات منابع طبیعی بر روندهای اقتصادی و اجتماعی مورد کاوش قرار